

دارند، نباید با استفاده از آنها به عنوان سپر انسانی، آنها را در معرض خطر و آسیب شدید قرار دهند؛ بنابراین، هرگونه اقدام اسرائیل برای مسلح کردن شهرک نشینان و غیرنظامیان و دعوت آنان به شرکت در محاصره و لو با توجیه دفاع مشروع، تحت الحمايه بودن و مصونیت آنان از حمله را وفق قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه، کان لم یکن می‌سازد، چرا که در صورت مسلح شدن افراد غیرنظامی شهرک نشین و مشارکت مستقیم آنها در درگیری‌های مسلحانه می‌توان آنها را به عنوان اهداف نظامی مشروع تلقی کرد.

- نیروی مهاجم باید اقدامات احتیاطی را برای جلوگیری یا به حداقل رساندن تلفات بیش از حد غیرنظامیان هنگام حمله به اهداف قانونی انجام دهند.

غیرنظامیان در غزه یقیناً نه تنها اهداف قانونی نیستند، بلکه طبق اصل تناسب (به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین الملل بشردوستانه)، باید مورد حمایت و حفاظت قرار بگیرند؛

۲-۲-۲- اصل اضطرار (ضرورت)

برخی معتقدند که اضطرار وضعیتی است که برای فرد حادث می‌شود، در حالی که حالت ضرورت، برای دولت پیش می‌آید. (منصوری، ۱۳۹۵، ۵۸) اصل ضرورت نظامی، فقط زمانی پذیرفته است که از زاویه حقوق بشر دوستانه به آن نگرسته شود. (UK Ministry of Defence, ۲۰۰۴، ۲۳)

بنابراین در مجموع می‌توان متذکر شد که در حقوق بشردوستانه تنها زمانی توسل به حالت ضرورت امکان‌پذیر است که اولاً ضرورت نظامی، مبرم و اجتناب‌ناپذیر باشد و ثانیاً در اسناد مربوط به صراحت ذکر شده باشد. و ثالثاً تفسیری مضیق از آن به عمل آید. (Detter, ۲۰۰۰، ۳۹۴)

ماده ۵۰ طرح پیش نویس مسئولیت دولت‌ها، به صراحت عنوان می‌دارد که اقدامات متقابل نباید بر تعهدات با ویژگی حقوق بشر دوستانه که اقدامات تلافی جویانه رانم می‌کند، تأثیر بگذارد. تعهدات با ویژگی حقوق بشر دوستانه مندرج در این ماده، نه تنها نباید تحت تأثیر اقدامات متقابل ناقض حقوق بشر دوستانه از سوی دولت دیگر واقع شود، بلکه همچنان نباید تحت تأثیر هر گونه اقدامات متقابل در قبال نقض هر گونه قواعد حقوق بین‌الملل قرار گیرد. این ممنوعیت چنین توجیه می‌شود که اگر هر قاعده حقوق بین‌الملل بشردوستانه بتواند در قالب اقدامات متقابل در مقابل عمل تجاوز، نقض شود، در آن صورت آن قاعده، معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد، به هر صورت، همین که پذیرفته شده است که حتی مهم‌ترین نقض حقوق بین‌الملل، یعنی عمل تجاوز نمی‌تواند نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در قالب عمل متقابل توجیه کند، می‌توان گفت که هیچ یک از سایر نقض‌های حقوق جنگ نیز نمی‌تواند نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در قالب اقدامات متقابل توجیه کند

ماده ۲۱ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها مقرر می‌دارد که «دولت مسئول، موظف است که بابت صدمات وارده در اثر عمل متخلفانه بین‌المللی غرامت کامل بپردازد. جبران کامل غرامت در قبال صدمات وارده در اثر عمل متخلفانه بین‌المللی به شکل اعاده وضعیت سابق، جبران خسارت یا رضایت، به تنهایی یا ترکیبی از این مواد، صورت گیرد.» همچنین در مواد مختلف کنوانسیون چهارم لاهه و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ مقرر می‌دارد که دولتی که مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را نقض کند، در صورت مقتضی، مسئول پرداخت غرامت خواهد بود.

۳-۲-۲- صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در قبال اعمال سران اسرائیل

یکی از ویژگی‌های مهم اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از منظر صلاحیت، اصل صلاحیت تکمیلی است. به موجب این اصل اولویت رسیدگی با دولت‌های ملی صلاحیت‌دار است، دیوان تنها زمانی می‌تواند اعمال صلاحیت کند که این دولت‌ها توان رسیدگی به جرائم بین‌المللی را نداشته باشند یا در صورت امکان رسیدگی اقدامی در این خصوص انجام ندهند یا تمایل انجام این امر مهم را نداشته باشند. تشخیص عدم توانایی و عدم تمایل دولت صلاحیت‌دار در اساسنامه

توسط معیارهایی مشخص شده است. (صالحی و سایرین، ۱۳۹۸، ۴۲۴) ر «اساس اصل تکمیلی بودن» صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری، دادگاه‌های داخلی دولت‌های طرف اساسنامه در رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت دیوان اولویت دارند. (نژندی منش و بذار، ۱۳۹۶، ۲۰۱) جرایم در صلاحیت دیوان عبارتند از جنایت علیه بشریت، ژنوساید، تجاوز و جنایات جنگی؛ در تهاجمات اسرائیل نسبت به غزه می‌توان این موارد را نیز بعضاً احراز نمود و سران این رژیم را مستحق محاکمه در دیوان قلمداد نمود.

در این جنگ‌ها، رژیم صهیونیستی مرتکب جنایاتی از قبیل استفاده از سلاح‌های ممنوعه، حمله به مدارس و بیمارستان‌ها اموال غیرنظامیان، حمله به مدارس و مساجد و بیمارستان‌ها و نیروهای امدادگر و غیره شده است که نقض فاحش حقوق بین‌الملل و به صورت اولی جنایات علیه بشریت محسوب می‌شوند و طراحان، آمرین و عاملین آن مستوجب تعقیب، محاکمه و مجازات می‌باشند. (تدینی و حیاتی، ۱۳۹۶، ۱۹۰)

فلسطین در سال ۲۰۱۸ به عضویت دیوان بین‌المللی کیفری درآمد و پس از آن مطابق بند نخست ماده ۱۳ و ماده ۱۴ اساسنامه، وضعیت فلسطین را بدون درج هیچ‌گونه تاریخ پایانی به دادستانی ارجاع شد. دادستانی دیوان نیز بر اساس تحقیقات مقدماتی خود ارتکاب جنایات داخل در صلاحیت دیوان را محرز دانسته و شعبه پیش دادرسی دیوان نیز صلاحیت خود را بر چهارچوب سرزمینی فلسطین مورد تأیید قرار داده است. اقدامات اسرائیل در موضوع انضمام بخش‌هایی از کرانه باختری، در کنار سایر جنایاتی که در این بازه زمانی مرتکب شده است، می‌تواند به عنوان مصداق بارز تجاوز در دیوان مطرح شود. نکته شایان ذکر اینکه دفتر دادستانی در تحقیقات مقدماتی خود تنها متمرکز بر احراز جنایات جنگی از سوی طرفین درگیر در وضعیت فلسطین بوده و نسبت به احراز سایر جنایات یعنی امکان سنجی ارتکاب احتمالی ژنوساید، جنایت علیه بشریت و تجاوز، موضوع را به مراحل بعدی محول کرده است (عابدینی، ۱۴۰۱، ۳۲۶)

بنابراین، اگر نیروهای اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، حتی در نوار غزه مرتکب جرایم تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری به ویژه جرایم جنگی شوند که در چارچوب اعلامیه دولت فلسطین بگنجد، دیوان صالح به رسیدگی به این جرایم خواهد بود. شایان ذکر است که وضعیت فلسطین و غزه پیش از شروع جنگ اخیر در دستور کار دادستان دیوان قرار داشته و بنابراین، با وقوع جنگ یاد شده و ارتکاب نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه و همچنین اعلام پیشینی دیوان مبنی بر ترتیب اثر دادن به مفاد اعلامیه تسلیمی دولت فلسطین، النهایه، دیوان می‌تواند نسبت به جرایمی که در سرزمین‌های اشغالی فلسطین رخ می‌دهد، اعمال صلاحیت نماید.

عمل تجاوز در حقوق بین‌الملل در دو معنا به کار گرفته می‌شود: نخست، تجاوز به معنای اقدامی که موجب مسؤلیت دولت خواهد بود و دوم، تجاوز به معنای جنایت بین‌المللی که مسؤلیت فردی کیفری را به همراه خواهد داشت. این تفکیک بر اساس بند پنجم قطعنامه تعریف تجاوز مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد صورت گرفته است که به نظر می‌رسد می‌توان آن را در خصوص اقدامات اسرائیل در نظر گرفت.

اسرائیل در طول دهه‌ها اشغال سرزمین‌های فلسطین، اقدام به انضمام سرزمین‌های مزبور کرده است. مطابق نظر مشورتی دیوار در دیوان بین‌المللی دادگستری و تصمیم شعبه پیش دادرسی دیوان بین‌المللی کیفری، اسرائیل حداقل میان خط سبز مورد نظر قطعنامه شورای امنیت تا مرزهای اردن را به اشغال خود درآورده است که شامل بیت‌المقدس شرقی و کرانه باختری رود اردن می‌شود. (Situation in the State of Palestine, ICC، ۱۸/۰۱-۱۴۳، ۲۰۲۱: para ۱۱۸.) و این به معنای تجاوز خواهد بود.

در خصوص دیگر جرایم در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی و تجاوز به نظر می‌رسد که گرچه اجماع جهانی به دلیل نفوذ غرب و حمایت آمریکا وجود ندارد ولی بنابه تعاریف این جرایم، قابل انتساب به سران اسرائیل بوده و امکان محاکمه و رسیدگی وجود دارد.

دیوان کیفری بین‌المللی اعمال زیر را جنایت جنگی اعلام می‌کند: حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی و یا به افراد غیرنظامی که در نبردها مشارکت مستقیم ندارند، دستور جابجایی سکنه غیرنظامی، حمله به اموال و اشیای غیرنظامی شامل: ساختمان‌ها، مواد، واحدها و وسایل نقلیه بهداری و پرسنل پزشکی، ساختمان‌هایی که برای مقاصد مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا امور خیریه استفاده می‌شوند و نیز بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های نگهداری بیماران و زخمیان حمله به خانه‌های مسکونی و تخریب تعداد زیادی از آنها، تدارک حملات کور علیه منازل و مکان‌های غیرنظامی به ویژه کودکان و زنان، حمله به مساجد که مردم غیرنظامی در آن پناه گرفته بودند، حمله به ساختمان‌های بسیاری در شهر غزه باعث نقض این بخش از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مقررات معاهده ۱۹۰۷ لاهه و کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ لاهه شده است و طبق نص صریح ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این عمل جنایت جنگی محسوب شده و مسؤلیت کیفری رژیم صهیونیستی را موجب می‌شود (قریان نیا، ۱۳۸۷، ۵۳)

با این اوصاف می‌توان مسؤلیت‌های مختلف و منطبق بر مبانی متعدد حقوق بین‌الملل را برای اسرائیل در نظر گرفت. موضوعی که با در نظر گرفتن مقررات کنوانسیون چهارم ژنو کاملاً قابل استناد می‌باشد.

نتیجه‌گیری

اسرائیل به جهت اعمال تجاوزکارانه‌ی خود در غزه که موجب کشتار غیرنظامیان، تخریب اماکن عمومی درمانی، آموزشی و... شده است، می‌تواند به عنوان یکی از دولت‌های مسئول در قبال نقض مقررات کنوانسیون چهارم ژنو محسوب گردد. این نقض‌ها عمدتاً در سالیان گذشته و بخصوص در سال ۲۰۲۳ رخ داده است که به بهانه‌ی دفاع پیش‌دستانه در قالب دفاع مشروع مطرح شد.

نسل‌کشی در غزه، استفاده گسترده از سلاح‌های ممنوعه و فسفری و دیگر اقدامات اسرائیل را می‌توان به عنوان مهمترین موارد نقض در این صحنه محسوب نمود اقدامی که حماس در مقابله با اشغالگری کرد، نمی‌توانست به عنوان تهاجمی مبنای دفاع مشروع محسوب گردد. آنچه در جنگ اخیر غزه اتفاق افتاد محدود به حمله به یک بیمارستان و کشته شدن حدود ۵۰۰ غیرنظامی بی‌گناه نبود، بلکه بنا بر واقعیت موجود و گزارش نهادهای مستقل حقوق بشری، حمله به مدرسه و اردوگاه‌های پناهجویان فلسطینی، حمله به مساجد و کلیساها، حمله به مناطق مسکونی و دانشگاه‌ها از دیگر جنایات‌هایی بود که با نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جنگ اخیر غزه به وقوع پیوست.

سلب حق دسترسی به غذا، دارو، آب آشامیدنی، برق و محاصره غزه مصداق جنایت جنگی و نقض کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است؛ به موجب ماده ۵۴ از پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو و پروتکل دوم الحاقی ممنوع است و به‌عنوان یک روش جنگی ممنوعه شناخته شده و ماده ۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری آن را جرم‌انگاری کرده است؛ حمله به کارکنان پزشکی و پرسنل بخش بشر دوستانه نیز نقض آشکار کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و مصداق جنایت جنگی است.

دیوان به جرایم بین‌المللی ارتكابی در سرزمین‌های فلسطینی شامل نسل‌کشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت دارای صلاحیت است؛ با توجه به مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، حمله به افراد و اهداف غیرنظامی شامل غیرنظامیان، مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس، کلیسا، مسجد و... مصادیق جنایت جنگی است که دادستانی دیوان به موجب اساسنامه صلاحیت دارد که نسبت به تعقیب جنایت‌کاران بین‌المللی اقدام کند. (منابع در دفتر هفته نامه می‌باشد)

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات (عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه)